

از مشروطه نوپا تا مشیت آهنین رضاخان

۶ خرداد ۱۳۹۳ ساعت ۱۶:۳۰

مروری گذرا بر حوادث مشروطه، فرآیند انجام انتخابات مجلس، پیدایش جراید و نشریه‌هایی که بر مفاهیم نو و انقلابی تاکید می‌کردند، نوشتن قانون اساسی و متمم آن، نیز در بخش «آغاز انقلاب» به میان آمده است و در بخش دیگر از درگیری و کودتای محمدعلی شاه قاجار، ماجرای استقرار دوباره مشروطیت، تنگناهای مالی دولت‌های مشروطه، بحث شده است.

معرفی کتاب

یرواند آبراهامیان، استاد تاریخ کالج باروک دانشگاه نیویورک آثار متعددی درباره مسایل ایران نظیر «ایران بین دو انقلاب»، «کودتا: ۲۸ مرداد سازمان سیا و ریشه‌های روابط ایران و آمریکا در عصر مدرن» منتشر کرده است. چاپ نهم «تاریخ ایران مدرن» سبب شد تا به این کتاب و رویدادهای عمده تاریخی آن نگاهی دقیق‌تر بیندازیم.

مترجم کتاب (محمدابراهیم فتاحی) در یادداشت کوتاه ابتدای کتاب، بر این نکته تاکید می‌کند که آبراهامیان در پژوهش خود کلیات و روندهای عمده تاریخ معاصر ایران طی دو سده اخیر را بررسی می‌کند و چندان اشاره‌ای به جزئیات رویدادها ندارد. از این رو تمرکز اصلی نویسنده بر جمع‌بندی مسایل و تحلیل آن‌هاست. نویسنده نیز در آغاز یادآوری می‌کند که اثر او یک پژوهش متعارف برای تاریخ‌دانان حرفه‌ای نیست بلکه شرح دگرگونی‌های اثرگذاری است که در سده بیستم در ایران روی داده است و چون محور اصلی این دگرگونی‌ها دولت مرکزی بوده، بنابراین توجه او بر چگونگی شکل‌گیری دولت و گسترش آن در سده بیستم است.

ایران وارد جهان مدرن شد

بر این پایه، آبراهامیان مقدمه کتاب را با شرح کوتاهی درباره جغرافیای طبیعی، هویت ایرانی، دگرگونی‌های عمیق زندگی ایرانیان در سده بیستم، جمعیت کشور، گویش‌های رایج در ایران، آغاز می‌کند و می‌نویسد که در طی چنین فرآیندهایی بود که «ایران وارد جهان مدرن» شد. از سویی دیگر، اشاره آبراهامیان بر مفهوم دولت در ایران قدیم و دگرگونی معنایی آن در حال حاضر، در خور یادآوری است.

او می‌نویسد: «واژه دولت طی سده‌های متوالی به معنای دولت شاهی بوده، اما این واژه هم اکنون به دولت به مفهوم کاملاً مدرن آن

تبدیل شده است.» تحولات ایران در ارتباط با مذهب تشیع از دیگر مباحثی است که در مقدمه کتاب عنوان می‌شود. از این رو تلاش نویسنده بر این است تا چگونگی گذر ایران از سده بیستم را نشان دهد.

شاهان مستبد: دولت و جامعه در دوره قاجار

«تاریخ ایران مدرن» در شش فصل تدوین شده است. فصل نخست «شاهان مستبد: دولت و جامعه در دوره قاجار» نام دارد و شامل سه بخش است: دولت قاجار، جامعه در دوره قاجار، و دولت و جامعه. آبراهامیان در بخش نخست از اقتدار فراوان و بی قانون شاه قاجار یاد می‌کند و می‌نویسد: «شاه تمام کشور را ملک شخصی خود می‌دانست و می‌توانست مدعی همه اموال و املاک شود.» اما این فقط یک پوشش ظاهری بود و «به دلیل فقدان یک نظام دیوان سالاری و یک ارتش ثابت»، اقتدار شاه محدود بود و متکی به اعیان و متنفذان محلی. بحث‌های بعدی این فصل درباره وزارتخانه‌ها، نظام پیچیده مستوفی‌گری در ایران، وضعیت ارتش و نظامیان در این دوره، کارکرد وزارت عدلیه و دیگر وزارتخانه‌ها و وضعیت مذهبی ایران در آن روزگار است.

در بحث جامعه ایران در دوره قاجار، از جمعیت کشور و نقش قبایل و ایلات و عشایر یاد می‌شود و نیز ساکنان روستایی و شهری ایران مورد توجه قرار می‌گیرد، به ویژه به بافت شهر تهران و جمعیت و محلات آن پرداخته و از سوءاستفاده قاجاریان از رقابت‌های ایلی و قبیله‌ای در بخش «دولت و جامعه» یاد می‌شود. نتیجه‌گیری پایانی نویسنده چنین است که: «قاجارها بیشتر با آلت دست قرار دادن سیستماتیک تقسیم بندی‌های اجتماعی و به ویژه تفاوت‌های فرقه‌ای، منطقه‌ای، نژادی، ایلی و طایفه‌ای بر ایران حکومت می‌کردند تا به واسطه نهادهای بوروکراتیک، اعمال زور یا توسل به الوهیت و تاریخ» (ص ۷۱).

رفرم، انقلاب و جنگ بزرگ

فصل دوم کتاب یرواند آبراهامیان «رفرم، انقلاب و جنگ بزرگ» نام دارد و دربردارنده پنج بخش زیر است: ریشه‌های انقلاب (مشروطیت)، آغاز انقلاب، مشروطیت جنگ داخلی، تنگناهای نظام مشروطه. آبراهامیان می‌نویسد: «انقلاب مشروطه ایران با انتظارات بزرگ آغاز شد؛ اما فرجام آن غرق شدن در دریای ژرف یاس و ناامیدی بود.» او سپس اشاره می‌کند که مشروطه در پی برقراری یک دولت مرکزی کارآمد و پایدار بود. اشاره به ریشه‌های انقلاب مشروطه، طبقات متوسط سنتی و پیوند آن‌ها با بازاریان، ارتباط و آشنایی طبقات متوسط با غرب، تاثیر معاهدات تجاری و نظامی دولت قاجار بر جامعه و افکار مردم و تاسیس مراکزی چون دارالفنون و اثرگذاری آن در بیداری دانش‌آموختگان، از موضوع‌هایی است که نویسنده به کوتاهی بدان‌ها می‌پردازد تا تصویری از شرایط سیاسی و اجتماعی ایران در روزگار پُر تنش مشروطیت به‌دست داده باشد.

مروری گذرا بر حوادث مشروطه، فرآیند انجام انتخابات مجلس، پیدایش جراید و نشریه‌هایی که بر مفاهیم نو و انقلابی تاکید می‌کردند، نوشتن قانون اساسی و متمم آن، نیز در بخش «آغاز انقلاب» به میان آمده است و در بخش دیگر از درگیری و کودتای محمدعلی شاه قاجار، ماجرای استقرار دوباره مشروطیت، تنگناهای مالی دولت‌های مشروطه، بحث شده است. پیداست که در این میان از فشارهای خارجی و دشواری‌هایی که در این موارد پیش می‌آید، سخن گفته شده و از جنگ جهانی اول و پیامدهای آن در ایران و آغاز جنگ‌های داخلی یاد شده است. همه این مسایل اوضاع بحرانی و ناپایدار ایران را در سال‌های پس از مشروطه نشان

می‌دهد. آبراهامیان می‌نویسد که در این شرایط، دولت بریتانیا، همانند مالکان اموال و دارایی‌ها، در پی برپایی نظامی مقتدر و سلطه‌گر در ایران بودند.

سیاست مشّت آهنین رضا شاه

فصل سوم «سیاست مشّت آهنین رضا شاه» عنوان گرفته و شامل بخش‌های: کودتا، تاسیس دولت، دگرگونی‌ها، و دولت و جامعه است. آبراهامیان بسیار گذرا و فهرست‌وار از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ رضاخان و انقراض قاجاریه یاد می‌کند و در بحث از دوره رضا شاهی، شاخص اساسی آن روزگار را «دولت‌سازی» می‌نامد. منظور نویسنده از این اصطلاح، ایجاد دولت متمرکز و ساختار حکومتی گسترده است. او همچنین پایه دولت رضا شاهی را بر دو ستون: ارتش و بوروکراسی، می‌داند و سپس چگونگی دستیابی رضا شاه به چنین امکانی را برمی‌شمارد.

توجه اساسی نویسنده در بخش «تاسیس دولت» بر گسترش نیروی نظامی ایران متمرکز است. از سویی دیگر، این را نیز در نظر می‌گیرد که اقدامات رضا شاه برای مدرنیزاسیون کردن جامعه و نیز برای گسترش سلطه شاه بود. ایجاد نظام آموزشی واحد، اعمال نفوذ بر نهادهای مذهبی و موضوع‌های دیگر، هر کدام به فراخور بحث مورد بررسی قرار می‌گیرند. واکنش مردم و مخالفت روحانیون و روشنفکران با دولت رضا شاه نیز از مباحثی است که در پایان این فصل آورده شده است.

منبع:

یرواند آبراهامیان، «تاریخ ایران مدرن»، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی، ۱۳۹۳

ادامه دارد...

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۰۰۶/رضاخان-آهنيذ-مشت-نوپا-مشروطه/>